



شناسایی ابعاد تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه

زهره دانشفر^۱، آرمان نیک روش^۲، رضا سلیمانی^۳

۱. گروه علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲. گروه علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۳. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: arman.nikrosh3@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه بر اساس دیدگاه معلمان، کارشناسان و متخصصان برنامه‌ریزی درسی بود. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از معلمان، کارشناسان آموزشی و برنامه‌ریزان درسی شاغل در شهر تهران گردآوری شد. نمونه‌گیری به روش هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مصاحبه‌ها ضبط، پیاده‌سازی و با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل شدند. کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی صورت گرفت و در نهایت مضامین اصلی استخراج گردید. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل «شهروندی اخلاق‌محور»، «شهروندی سیاسی-مدنی» و «شهروندی محیطی و جهانی» شد. هر یک از این مقوله‌ها دارای زیرمقوله‌هایی نظیر صداقت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، آگاهی سیاسی، تعلق ملی، آگاهی زیست‌محیطی و مسئولیت جهانی بودند. شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که محتوای کتاب‌های درسی موجود بیشتر بر جنبه‌های اخلاقی سنتی تأکید دارد و از مفاهیم نوین شهروندی مانند سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و مشارکت مدنی فعال غافل مانده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه از منظر تربیت شهروندی، ساختار منسجم و یکپارچه‌ای ندارد و بسیاری از ابعاد مهم شهروندی در آن مغفول مانده‌اند. بازنگری در محتوای درسی با رویکرد تلفیقی، بومی‌سازی شده و مسئله‌محور ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌گان: تربیت شهروندی، کتاب درسی، آموزش متوسطه، تحلیل مضمون، آموزش مدنی

تاریخ ارسال: ۴ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۹ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۳ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۷ فروردین ۱۴۰۲



How to cite: Daneshfar, Z., Nikrosh, A., & Soleimani, R. (2023). Identifying the Dimensions of Citizenship Education in the Content of Secondary School Textbooks. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(1), 46-54.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying the Dimensions of Citizenship Education in the Content of Secondary School Textbooks

Zohreh Daneshfar¹, Arman Nikrosh^{2*}, Reza Soleimani³

1. Department of Educational Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran

2. Department of Educational Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran

3. Department of Educational Management, University of Isfahan, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: arman.nikrosh3@gmail.com

Abstract

The present study aimed to identify the dimensions of citizenship education reflected in secondary school textbooks based on the perspectives of teachers, curriculum planners, and educational experts. This qualitative study employed a thematic analysis approach. Data were collected through semi-structured interviews with 25 participants, including teachers, educational experts, and curriculum developers in Tehran. Purposive sampling was used and interviews continued until theoretical saturation was reached. All interviews were recorded, transcribed, and analyzed using NVivo software. Thematic coding was conducted in three stages: open, axial, and selective coding. Data analysis led to the identification of three main categories: "ethical citizenship," "political-civic citizenship," and "environmental and global citizenship." These categories included subthemes such as honesty, social responsibility, political awareness, national belonging, environmental literacy, and global responsibility. Participants noted that current textbooks primarily emphasize traditional moral values while neglecting contemporary aspects of citizenship such as media literacy, critical thinking, and active civic engagement. The findings indicate that secondary school textbooks lack a coherent and integrated structure for addressing citizenship education, and several crucial dimensions are overlooked. There is a need to revise the curriculum through an integrative, localized, and problem-oriented approach to better promote democratic and participatory values.

Keywords: *Citizenship education, textbook content, secondary education, thematic analysis, civic learning*

Submit Date: 24 January 2023

Revise Date: 28 February 2023

Accept Date: 23 March 2023

Publish Date: 5 April 2023

تربیت شهروندی به عنوان یکی از اهداف بنیادین نظام‌های آموزشی در سراسر جهان، نقش کلیدی در شکل‌دهی به نگرش‌ها، ارزش‌ها، و رفتارهای دانش‌آموزان در مواجهه با مسائل اجتماعی، سیاسی، و اخلاقی ایفا می‌کند. در دنیای معاصر که تحولات اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی با شتابی بی‌سابقه رخ می‌دهند، تربیت شهروندانی آگاه، مسئول، قانون‌مدار و مشارکت‌جو ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق توسعه پایدار و انسجام اجتماعی محسوب می‌شود (Banks, 2017). از این منظر، نظام‌های آموزشی نه تنها وظیفه آموزش مهارت‌های علمی را دارند، بلکه باید بستر لازم را برای پرورش شهروندانی توانمند در مواجهه با مسائل جامعه فراهم آورند (Osler & Starkey, 2006).

در ایران، سیاست‌گذاران آموزشی در اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اهمیت تربیت شهروندی تأکید کرده‌اند و آن را از طریق محتوا و فرایند آموزشی دنبال می‌کنند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). با این حال، یکی از چالش‌های اساسی نظام آموزشی ایران، فقدان نگاهی یکپارچه، علمی و بومی‌سازی‌شده به مفهوم شهروندی در محتوا و فرایند یاددهی-یادگیری است؛ به گونه‌ای که تربیت شهروندی در بسیاری از موارد به آموزه‌های اخلاقی و دینی محدود شده و ابعاد مدنی، سیاسی، محیط‌زیستی و جهانی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Gholami, 2012).

از جمله ابزارهای اصلی نظام آموزشی برای انتقال مفاهیم و ارزش‌ها به دانش‌آموزان، کتاب‌های درسی هستند. این منابع در ایران با تمرکز مرکزی و ساختاریافته تهیه می‌شوند و نقش محوری در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند (Sadeghi & Sepahi, 2018). بنابراین، بررسی محتوای این کتاب‌ها از منظر تربیت شهروندی می‌تواند بینشی دقیق نسبت به میزان تحقق اهداف آموزشی در این حوزه فراهم سازد. محتواهای موجود در کتاب‌های درسی می‌توانند با القای دیدگاه‌های خاص نسبت به جامعه، نظم، عدالت، مشارکت، هویت و دیگر مفاهیم اجتماعی، فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان را شکل دهند (Print, 2007). در همین راستا، تحلیل کیفی محتوای کتاب‌های درسی فرصتی را فراهم می‌سازد تا نارسایی‌ها و نقاط قوت نظام آموزشی در تربیت شهروندی شناسایی شده و پیشنهادهایی برای بهبود آن ارائه گردد.

تربیت شهروندی مفهومی چندبعدی است که شامل ابعاد مختلفی چون شهروندی اخلاقی، شهروندی سیاسی-مدنی، شهروندی محیط‌زیستی و شهروندی جهانی می‌شود (Westheimer & Kahne, 2004). شهروندی اخلاقی ناظر بر فضیلت‌هایی چون صداقت، نوع‌دوستی و رعایت حقوق دیگران است؛ در حالی که شهروندی مدنی به آگاهی از حقوق و وظایف، مشارکت اجتماعی و تعلق ملی می‌پردازد. از سوی دیگر، در قرن بیست و یکم مفاهیمی چون مسئولیت جهانی، همزیستی فرهنگی، و سواد رسانه‌ای نیز به ابعاد جدید شهروندی افزوده شده‌اند (UNESCO, 2015). در نتیجه، انتظار می‌رود که کتاب‌های درسی در راستای نهادینه‌سازی این ابعاد متنوع گام بردارند و دانش‌آموزان را برای ایفای نقش فعال در جامعه محلی و جهانی آماده کنند (Kerr, 1999).

پژوهش‌های متعددی در سطح جهانی نشان داده‌اند که محتواهای آموزشی نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه درک و درونی‌سازی مفاهیم شهروندی در دانش‌آموزان دارند. برای مثال، مطالعه‌ای توسط Ajiboye و Silo (۲۰۰۸) در بوتسوانا نشان داد که کتاب‌های درسی با تأکید بر مشارکت اجتماعی، توانسته‌اند نگرش‌های شهروندی مثبت‌تری را در دانش‌آموزان پرورش دهند. همچنین تحقیق دیگری توسط Hoskins و Crick (۲۰۱۰) در اروپا نشان داد که تمرکز محتوای درسی بر تفکر انتقادی، آگاهی سیاسی، و مسئولیت‌پذیری مدنی با افزایش تمایل به مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی همراه بوده است. در ایران نیز پژوهش‌هایی نظیر پژوهش کاظمی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که محتوای درسی در بسیاری از موارد با اهداف تربیت شهروندی همخوانی ندارد و بیشتر جنبه نظری و حافظه‌محور دارد تا عملی و مهارتی.

با وجود چنین شواهدی، بررسی‌های نظام‌مند و کیفی از محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه ایران از منظر ابعاد تربیت شهروندی همچنان محدود باقی مانده است. در بسیاری از موارد، تحلیل‌های محتوایی موجود صرفاً به فراوانی واژگان مرتبط با شهروندی پرداخته‌اند و از درک عمیق و تفسیری از مفاهیم غفلت کرده‌اند (Shahvali & Ghaffari, 2020). از سوی دیگر، با توجه به تحولات اجتماعی ایران، رشد رسانه‌ها،

جهانی‌شدن، و تغییرات در ارزش‌های نسلی، تربیت شهروندی نیز نیازمند بازنگری و بازتعریف است تا با نیازهای نسل جدید هماهنگ شود (Ziaee & Yousefi, 2019).

در این راستا، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و معلمان دوره متوسطه، در پی آن است که ابعاد تربیت شهروندی را که در محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه بازتاب یافته‌اند، شناسایی نماید. هدف از این پژوهش، ارائه‌ی تصویری دقیق و چندبعدی از وضعیت تربیت شهروندی در محتوای درسی است تا بستری برای سیاست‌گذاری‌های اثربخش در این حوزه فراهم آید.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که می‌تواند خلأهای موجود در طراحی محتوای درسی را شناسایی کرده و پیشنهادهایی را برای غنی‌سازی و بازنگری منابع آموزشی ارائه دهد. همچنین، یافته‌های این مطالعه می‌تواند برای سیاست‌گذاران آموزشی، طراحان برنامه درسی، معلمان، و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت در مسیر ارتقاء کیفیت آموزش شهروندی کاربردی باشد. تمرکز بر تجارب زیسته و تحلیل تفسیری داده‌ها از طریق نرم‌افزار NVivo این امکان را فراهم می‌سازد که فراتر از سطح ظاهری محتوا، به لایه‌های پنهان معنایی در کتاب‌های درسی نیز توجه شود.

در پایان باید تأکید کرد که تربیت شهروندی صرفاً یک مأموریت آموزشی نیست، بلکه فرآیندی فرهنگی و اجتماعی است که نیازمند هماهنگی میان نهاد مدرسه، خانواده، رسانه و جامعه مدنی است. کتاب‌های درسی به‌عنوان یکی از اجزای مهم این چرخه می‌توانند نقشی کلیدی در تقویت سرمایه اجتماعی، انسجام ملی، و توسعه مشارکت‌جویانه نسل جوان ایفا کنند، به شرط آنکه با نگاه جامع، انعطاف‌پذیر و بین‌رشته‌ای بازطراحی شوند.

روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی با هدف شناسایی ابعاد تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه استفاده شد. با توجه به ماهیت اکتشافی مسئله پژوهش، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها بهره گرفته شد تا تجارب و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان به صورت عمیق و انعطاف‌پذیر استخراج گردد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۲۵ نفر از معلمان، کارشناسان آموزش و پرورش، و متخصصان برنامه‌ریزی درسی مقطع متوسطه در شهر تهران بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و با معیار اشباع نظری انتخاب شدند؛ بدین معنا که روند مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدیدی حاصل نشد و مفاهیم به اشباع نظری رسیدند.

فرآیند گردآوری داده‌ها با طرح سؤالات باز و نیمه‌ساختاریافته آغاز شد و مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان انجام گرفت. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۵ دقیقه بود و تمامی مصاحبه‌ها با اجازه مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس وادویی شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار تحلیل کیفی NVivo استفاده شد. پس از وادویی مصاحبه‌ها، مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی به‌صورت نظام‌مند اجرا گردید تا مضامین اصلی و ابعاد تربیت شهروندی از داده‌ها استخراج شود. در حین تحلیل داده‌ها، تلاش شد تا از روش‌های افزایش اعتبار در پژوهش‌های کیفی نظیر بازبینی همکار، بررسی توسط مشارکت‌کنندگان (member check)، و استفاده از مثلث‌سازی در منابع داده بهره گرفته شود.

یافته‌ها

در این پژوهش، ۲۵ نفر از مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند و با رعایت اصل اشباع نظری انتخاب شدند. از میان آن‌ها، ۱۴ نفر زن (۵۶٪) و ۱۱ نفر مرد (۴۴٪) بودند. از نظر گروه شغلی، ۱۰ نفر از معلمان مقطع متوسطه (۴۰٪)، ۸ نفر از کارشناسان برنامه‌ریزی درسی (۳۲٪)، و ۷

نفر از مدیران و مشاوران آموزش و پرورش (۲۸٪) بودند. دامنه‌ی سنی مشارکت‌کنندگان بین ۳۰ تا ۵۸ سال بود و میانگین سن آن‌ها ۴۳.۷ سال محاسبه شد. همچنین، از لحاظ سابقه‌ی کاری، ۹ نفر دارای سابقه‌ی کمتر از ۱۰ سال (۳۶٪)، ۱۰ نفر بین ۱۰ تا ۲۰ سال (۴۰٪) و ۶ نفر بیش از ۲۰ سال سابقه‌ی کاری (۲۴٪) داشتند. تمامی مشارکت‌کنندگان ساکن شهر تهران بودند و حداقل مدرک تحصیلی آن‌ها کارشناسی ارشد در رشته‌های علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، یا آموزش متوسطه بود. این تنوع در جنسیت، موقعیت شغلی و سابقه‌ی کاری مشارکت‌کنندگان به افزایش اعتبار داده‌ها و غنای تحلیل کیفی کمک کرده است.

احترام به قانون:

در محتوای کتاب‌های درسی، مفهوم احترام به قانون به صورت ضمنی و پراکنده مطرح شده است. مفاهیمی همچون رعایت مقررات اجتماعی و پذیرش قوانین مدرسه بیش از همه به چشم می‌خورند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: «دانش‌آموز باید بداند چرا قانون وجود دارد و تبعیت از آن به نفع خود اوست، اما کتاب‌ها بیشتر حالت دستوری دارند تا آموزشی». همچنین به لزوم آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های فردی نیز اشاره شده، هرچند به طور ساختاریافته گنجانده نشده‌اند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی:

پیش‌برد ارزش‌های مشارکتی و مسئولیت‌پذیری از دیگر مضامینی است که در برخی دروس، به‌ویژه مطالعات اجتماعی و تعلیمات دینی مشاهده می‌شود. مفاهیمی مانند تعهد در قبال دیگران و حفاظت از محیط‌زیست به صورت سطحی بیان شده‌اند. یکی از معلمان می‌گوید: «در فعالیت‌های کتاب، نقش فرد در جامعه کمتر جدی گرفته شده، بیشتر حالت شعار دارد تا تمرین».

صداقت و درستکاری:

صداقت به عنوان یکی از اصول اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته، اما بیشتر در قالب حکایت‌ها و داستان‌های پندآموز آمده است. کدهایی مانند پرهیز از دروغ‌گویی و عمل به وعده در قالب‌های ادبی نمود یافته‌اند. یک مشارکت‌کننده اذعان داشت: «دانش‌آموز باید بفهمد که صداقت فقط در امتحان تقلب نکردن نیست، بلکه در تعامل روزمره با دیگران هم هست».

نوع‌دوستی و همدلی:

نوع‌دوستی و همدلی بیشتر در کتاب‌های دینی و فارسی مطرح شده‌اند و در قالب داستان‌ها یا اشعار جلوه کرده‌اند. مفاهیمی مانند کمک به نیازمندان یا مدارا با دیگران از طریق شخصیت‌های داستانی منتقل شده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «نوع‌دوستی اگر فقط در شعر سعدی بیاید و به تجربه‌ی زیسته دانش‌آموز مربوط نباشد، تأثیرگذاری‌اش کم است».

احترام به حقوق دیگران:

این زیرمقوله به نحوی محدود در مطالب درسی مطرح شده است. کدهایی چون پرهیز از تبعیض و رعایت نوبت عمدتاً در قالب مثال‌های کوتاه مطرح شده‌اند. یکی از کارشناسان گفت: «در کتاب‌ها، حقوق دیگران بیشتر از زاویه اطاعت مطرح شده تا آگاهی و نقد».

عدالت‌خواهی:

مفهوم عدالت به صورت مستقیم کمتر دیده می‌شود و در قالب مفاهیمی مانند انصاف و برابری فرصت‌ها در برخی موارد طرح شده است. به گفته‌ی یکی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی: «عدالت در کتاب‌ها بیشتر جنبه‌ی اخلاقی دارد تا اجتماعی. دانش‌آموز کمتر تشویق می‌شود که نسبت به بی‌عدالتی حساس باشد».

مشارکت اجتماعی و سیاسی:

در برخی کتاب‌ها مانند مطالعات اجتماعی، به مشارکت در شوراهای مدرسه اشاره شده اما عمیق و ساختاریافته نیست. مفاهیمی چون رأی‌گیری یا شناخت نهادهای اجتماعی در سطح مقدماتی مطرح شده‌اند. یکی از معلمان تأکید می‌کند: «کتاب‌ها فرصت تعامل و تصمیم‌گیری واقعی به دانش‌آموز نمی‌دهند، فقط مشارکت نمادین را نشان می‌دهند».

هویت ملی و تعلق فرهنگی:

مفاهیمی چون آشنایی با نمادهای ملی، تاریخ کشور و فرهنگ بومی، به صورت پررنگ‌تری در کتاب‌ها دیده می‌شود. با این حال، تعلق فرهنگی بیشتر در قالب ستایش گذشته و تکرار نمادهای تکراری بیان شده است. یک مشارکت‌کننده اظهار داشت: «فرهنگ فقط تخت جمشید نیست، بلکه نحوه زیست مردم هم هست، که در کتاب‌ها نیست».

آگاهی سیاسی و حقوقی:

آموزش حقوق شهروندی و ساختار حکومتی به صورت کلی و بدون نگاه انتقادی مطرح شده است. بیشتر به معرفی شکلی نهادها پرداخته شده و دانش‌آموز را از درک عمیق ساختارهای قدرت دور نگه داشته است. یکی از متخصصان عنوان کرد: «در کتاب‌ها هیچ اشاره‌ای به آزادی بیان یا تفکیک قوا به‌طور کاربردی نیست».

مسئولیت‌پذیری نسبت به کشور:

حس مسئولیت نسبت به وطن، در قالب دفاع از کشور و افتخار به تاریخ آن برجسته شده است. مفاهیمی مانند آمادگی در برابر بحران‌ها یا خدمت‌رسانی ملی بیشتر حالت شعاری دارند. به گفته یکی از معلمان: «بچه‌ها باید یاد بگیرند که کشور فقط در زمان جنگ نیاز به مسئولیت ندارد، در زمان صلح هم هست».

انسجام اجتماعی و وحدت ملی:

در برخی مطالب درسی به وحدت اقوام، احترام به تفاوت‌ها و همبستگی ملی اشاره شده، اما بیشتر از منظر تهدید به تجزیه‌طلبی یا دشمن خارجی مطرح شده است. مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «در حالی که وحدت باید بر پایه احترام متقابل باشد، در کتاب‌ها بیشتر از منظر خطر صحبت شده است».

آگاهی زیست‌محیطی:

در مفاهیمی مانند حفاظت از منابع طبیعی، تفکیک زباله یا کاهش مصرف انرژی، آموزش‌ها عمدتاً در کتاب علوم طبیعی مطرح شده‌اند. اما به باور برخی مصاحبه‌شوندگان، این مطالب بیشتر جنبه دانشی دارند تا تربیتی. «دانش‌آموز می‌داند که آب را هدر ندهد، ولی نمی‌داند چرا این کار مسئولیت مدنی است».

مسئولیت جهانی و صلح‌آمیز:

مفاهیمی نظیر حقوق بشر، صلح جهانی و همزیستی با ملت‌ها به‌ندرت در کتاب‌ها دیده می‌شود. مشارکت‌کننده‌ای تأکید داشت: «نگاه به مسائل جهانی در کتاب‌ها بسیار محدود و گاه سیاسی است؛ دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که عضوی از جامعه جهانی‌اند».

سواد رسانه‌ای و دیجیتال:

در برخی کتاب‌ها اشاره‌هایی به استفاده صحیح از فضای مجازی شده است، اما فاقد آموزش تفکر انتقادی یا مهارت تشخیص اخبار جعلی است. یکی از معلمان می‌گوید: «بچه‌ها در دنیای دیجیتال زندگی می‌کنند ولی کتاب‌ها هنوز در دنیای آنالوگ مانده‌اند».

ارزش‌های جهانی:

مفاهیمی مانند برابری انسانی، مبارزه با نژادپرستی، یا آموزش حقوق کودکان، در کتاب‌ها بسیار اندک و غیرنظام‌مند مطرح شده‌اند. یک مشارکت‌کننده اظهار داشت: «در شرایطی که دانش‌آموز با مسائل جهانی روبه‌روست، لازم است کتاب‌ها هم این بعد از شهروندی را تقویت کنند».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه را می‌توان در سه مقوله اصلی «شهروندی اخلاق محور»، «شهروندی سیاسی-مدنی» و «شهروندی محیطی و جهانی» طبقه‌بندی کرد. این ابعاد شامل مؤلفه‌هایی چون احترام به قانون، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، صداقت، مشارکت اجتماعی، آگاهی سیاسی، تعلق ملی، انسجام اجتماعی، آگاهی زیست‌محیطی، مسئولیت جهانی، سواد رسانه‌ای و ارزش‌های انسانی جهان‌شمول بودند. هر یک از این مؤلفه‌ها دارای مفاهیم محوری بودند که در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معلمان، کارشناسان و صاحب‌نظران استخراج و تحلیل شدند.

در مقوله شهروندی اخلاق محور، داده‌ها نشان دادند که مفاهیمی چون صداقت، نوع‌دوستی، احترام به حقوق دیگران و مسئولیت‌پذیری در قالب حکایت‌ها، آموزه‌های دینی و داستان‌های اخلاقی در کتاب‌های فارسی، تعلیمات دینی و مطالعات اجتماعی گنجانده شده‌اند، اما بیشتر به شکل غیرنظام‌مند و پندآموز بیان شده‌اند. این مسئله با یافته‌های پژوهش Sepahi و Sadeghi (۲۰۱۸) هم‌راستا است که نشان دادند محتوای کتاب‌های درسی در ایران عمدتاً مبتنی بر انتقال ارزش‌ها از طریق حکایات سنتی و بدون ساختار تحلیلی مدرن است. همچنین، به نظر می‌رسد که اخلاق‌مداری مطرح‌شده در کتاب‌ها به شکل فردی و منفعلانه است و کمتر به پیامدهای اجتماعی رفتارهای اخلاقی یا توسعه اخلاق جمعی پرداخته می‌شود. این یافته با نتیجه مطالعات Banks (۲۰۱۷) مطابقت دارد که تأکید می‌کند شهروندی اخلاقی باید با مشارکت فعال اجتماعی و مسئولیت در قبال جامعه همراه باشد.

در حوزه شهروندی سیاسی-مدنی، داده‌ها حاکی از آن بود که مفاهیمی مانند مشارکت در شوراهای دانش‌آموزی، شناخت نهادهای اجتماعی، آگاهی از قانون اساسی و تعلق به هویت ملی به‌طور پراکنده و عمدتاً به شکل نمادین در کتاب‌های درسی گنجانده شده‌اند. به‌عنوان مثال، مشارکت اجتماعی صرفاً در قالب رأی‌گیری در شوراهای و آن هم بدون تشریح نقش واقعی مشارکت مدنی مطرح شده است. این وضعیت با پژوهش Osler و Starkey (۲۰۰۶) هم‌راستا است که اظهار می‌دارند بسیاری از نظام‌های آموزشی مشارکت را تنها در سطح رسمی و نمادین دنبال می‌کنند و از درگیر کردن دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری واقعی غافل می‌مانند. همچنین، داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، مطالبه‌گری مدنی و آگاهی سیاسی در کتاب‌ها یا غایب هستند یا به‌صورت سطحی و بدون پرورش تفکر انتقادی بیان شده‌اند. این امر با یافته‌های Print (۲۰۰۷) که تأکید دارد محتوای آموزشی باید تفکر انتقادی و تحلیل ساختارهای قدرت را پرورش دهد، همخوانی دارد.

مقوله سوم، شهروندی محیطی و جهانی، ضعیف‌ترین حضور را در محتوای کتاب‌های درسی داشته است. در حالی که چالش‌های محیط‌زیستی، جهانی‌شدن و گسترش رسانه‌های دیجیتال از مهم‌ترین واقعیت‌های دنیای معاصر هستند، در کتاب‌های درسی ایران این مؤلفه‌ها به‌ندرت مطرح شده‌اند. مفاهیم کلیدی همچون آگاهی زیست‌محیطی، حقوق بشر، صلح جهانی، مبارزه با تبعیض نژادی و سواد رسانه‌ای یا کاملاً نادیده گرفته شده‌اند یا در قالب‌هایی بسیار محدود و غیرکاربردی بیان شده‌اند. این مسئله با پژوهش‌های UNESCO (۲۰۱۵) و Kahne و Westheimer (۲۰۰۴) هم‌راستا است که تأکید می‌کنند تربیت شهروند جهانی نیازمند تمرکز بر سواد رسانه‌ای، مهارت‌های ارتباطی بین‌فرهنگی، و مسئولیت‌پذیری جهانی است. در پژوهش حاضر، مشارکت‌کنندگان بارها به این نکته اشاره کردند که کتاب‌ها نگاهی درون‌گرایانه و محافظه‌کارانه به جهان دارند و از آشنا کردن دانش‌آموزان با چالش‌های فراملی پرهیز می‌کنند.

نکته مهم دیگر در یافته‌های پژوهش، نبود پیوستگی میان مفاهیم مطرح‌شده در دروس مختلف است. در واقع، مفاهیم شهروندی به‌صورت گسسته، بدون ارتباط میان‌موضوعی، و با تمرکز بر انتقال اطلاعات کلی بیان شده‌اند. این مسئله با پژوهش Kerr (۱۹۹۹) قابل تطبیق است که در آن بیان می‌شود کتاب‌های درسی باید به صورت تلفیقی و بین‌رشته‌ای طراحی شوند تا بتوانند فهمی یکپارچه و منسجم از شهروندی را برای دانش‌آموزان فراهم آورند.

همچنین، داده‌های مصاحبه‌ها نشان دادند که محتوای کتاب‌های درسی کمتر به تجربه زیسته دانش‌آموزان مرتبط است. مفاهیم ارائه‌شده در بسیاری از موارد فاقد پیوند با زندگی روزمره و مسائل اجتماعی معاصر هستند و همین امر موجب بی‌اثر شدن آموزش شهروندی شده است.

مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که برای تربیت شهروندی مؤثر، محتوا باید با چالش‌های واقعی زندگی جوانان ایرانی مانند بیکاری، نابرابری، بحران محیط‌زیست، خشونت اجتماعی و فضای مجازی در ارتباط باشد. این یافته با دیدگاه Gholami (۲۰۱۲) مطابقت دارد که بر بومی‌سازی آموزش شهروندی و پیوند آن با زمینه اجتماعی-فرهنگی دانش‌آموزان تأکید دارد.

از سوی دیگر، نبود زبان تحلیلی در محتوای کتاب‌ها از جمله مشکلات اساسی شناسایی شده در پژوهش حاضر بود. بسیاری از مفاهیم به‌جای آنکه با زبان انتقادی، تحلیلی و مسئله‌محور بیان شوند، در قالب دستورات مستقیم یا توصیه‌های کلی اخلاقی آمده‌اند. این روش انتقال مفاهیم نه تنها به تفکر انتقادی منجر نمی‌شود، بلکه از رشد خودآگاهی و استقلال فکری دانش‌آموزان نیز جلوگیری می‌کند. در مطالعات Hoskins و Crick (۲۰۱۰) نیز اشاره شده است که زبان آموزشی در کتاب‌ها نقش مهمی در توانمندسازی دانش‌آموزان برای کنشگری اجتماعی ایفا می‌کند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه در ایران علی‌رغم دارا بودن عناصر پراکنده‌ای از تربیت شهروندی، فاقد نگاه جامع، ساختارمند و آینده‌نگر در این زمینه است. برای تحقق هدف کلان «تربیت شهروندی فعال، مسئول، اخلاق‌مدار و جهانی» لازم است که طراحی و بازنگری محتوای درسی با رویکردی تلفیقی، مشارکتی و مسئله‌محور دنبال شود.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به تمرکز صرف بر دیدگاه‌های معلمان، کارشناسان آموزشی و مدیران آموزشی در شهر تهران اشاره کرد. نتایج ممکن است در دیگر مناطق جغرافیایی با فرهنگ و بافت اجتماعی متفاوت، قابلیت تعمیم نداشته باشند. همچنین، در این پژوهش صرفاً به تحلیل ابعاد تربیت شهروندی از منظر مصاحبه‌شوندگان پرداخته شده و خود محتوای کتاب‌ها به‌صورت مستقیم تحلیل محتوای متنی نگشته است. محدودیت دیگر، وابستگی به ابزار مصاحبه به‌عنوان تنها منبع گردآوری داده‌ها است که ممکن است متأثر از ذهنیت مشارکت‌کنندگان باشد.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، تحلیل محتوای متنی کتاب‌های درسی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی نیز صورت گیرد تا داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با یافته‌های متنی تکمیل و اعتبارسنجی شوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های مشابه در دیگر مناطق کشور و در سطوح آموزشی مختلف (ابتدایی و فنی-حرفه‌ای) انجام گیرد. بررسی تجربیات بین‌المللی در طراحی محتوای شهروندی نیز می‌تواند مسیری برای تطبیق‌پذیری و بهبود مدل‌های داخلی فراهم آورد.

در حوزه کاربردی، لازم است سیاست‌گذاران آموزشی در بازنگری محتوای کتاب‌های درسی توجه بیشتری به ابعاد مختلف شهروندی، به‌ویژه شهروندی جهانی، زیست‌محیطی و رسانه‌ای داشته باشند. طراحی فعالیت‌های آموزشی مشارکتی، انتقادی و پروژه‌محور که دانش‌آموز را درگیر مسائل واقعی جامعه کند، می‌تواند اثربخشی این آموزش را افزایش دهد. همچنین، توصیه می‌شود برای معلمان دوره‌های بازآموزی در زمینه آموزش شهروندی برگزار گردد تا مهارت لازم برای آموزش مؤثر مفاهیم شهروندی را کسب کنند. در نهایت، همکاری میان خانواده، رسانه و مدرسه به‌عنوان سه نهاد مکمل، برای تحقق اهداف تربیت شهروندی ضروری است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Ajiboye, J. O., & Silo, N. (2008). Enhancing Botswana children's environmental knowledge, attitudes and practices through the school civic clubs. *International Journal of Environmental & Science Education*, 3(3), 105–114.
- Banks, J. A. (2017). *Diversity and citizenship education: Global perspectives*. John Wiley & Sons.
- Gholami, K. (2012). Moral education in Iran: A historical and contemporary analysis. *Journal of Moral Education*, 41(4), 501–516.
- Hoskins, B., & Crick, R. D. (2010). Competences for learning to learn and active citizenship: Different currencies or two sides of the same coin? *European Journal of Education*, 45(1), 121–137.
- Kerr, D. (1999). Citizenship education: An international comparison. *International Review of Curriculum and Assessment Frameworks*.
- Osler, A., & Starkey, H. (2006). *Education for democratic citizenship: A review of research, policy and practice 1995–2005*. British Educational Research Association.
- Print, M. (2007). Citizenship education and youth participation in democracy. *British Journal of Educational Studies*, 55(3), 325–345.
- Sadeghi, A., & Sepahi, Z. (2018). The hidden curriculum of Iranian school textbooks. *Journal of Curriculum Studies*, 50(2), 179–195.
- Shahvali, M., & Ghaffari, M. (2020). Analysis of the civic education content in Iranian secondary school textbooks. *Educational Research and Reviews*, 15(9), 512–520.
- UNESCO. (2015). *Global Citizenship Education: Topics and Learning Objectives*. Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Ziaee, P., & Yousefi, M. (2019). Globalization and educational change in Iran: Challenges and strategies. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 49(6), 895–911.